

## برگی از تاریخ جنبش کارگری: سندیکای کارگران پروژه ای آبادان

تنظیم و گردآوری: نسترن آقایی

بیستم اردیبهشت هشتاد و هفت

یکی از تشکلهای قدرتمند کارگران که در جریان انقلاب ۵۷ شکل گرفت و در سالهای بعد از انقلاب نیز در جهت مطالبات کارگران حضور گسترده کارگران را به نمایش گذاشت، سندیکای کارگران پروژه ای آبادان بود. در جریان انقلاب ۵۷ که در دانشگاه ها به روی مردم باز شده بود و مردم در دانشکده نفت اجتماع میکردند. کارگران بیکار با شرکت در این اجتماعات و برگزاری جلسات منظم و تماس با سایر کارگران بیکار تصمیم به ایجاد تشکل سندیکا گرفتند. شروع کار این کارگران برای تأسیس سندیکا و ثبت نام اعضاء، تنظیم دفاتر مختلف برای عضویت، به خاطر نداشتن مکانی که بتوانند از آن به عنوان دفتر سندیکا استفاده کنند، در قهوه خانه بوشهری ها در پاساژ الفی جمع شده و به این امور پرداختند. بارها و بارها افراد مسلح کمپته به آنها حمله کردند و هر بار کارگرانی را دستگیر نمودند و دفاتر آنها را پاره کرده و از قهوه خانه بیرونشان می انداختند، اما کارگران تلاش و کوششان را زیاد کرده و به تجمعات خود ادامه میدادند. در روزهایی که کارگران اساسنامه سندیکا را می نوشتند، تشکیلاتی فرمایشی به نام "اتحادیه کارگران و تحصیل کرده ها" اعلام موجودیت کرده و برای جذب کارگران مدعی شد که به کارگران مقداری پول به عنوان وجه دستی پرداخت خواهد کرد.

تشکیل این تشکل فرمایشی که از جانب کارگران شکل نگرفته بود و عمدتاً از مقاطعه کاران و پیمانکاران تشکیل شده بود، از همان روز اول با آب و تاب فراوان از رادیو نفت ملی تشکیلیش اعلام شد و شروع به تبلیغات کرد. برای کارگران تعجب آور بود که با وجود اینکه سندیکای پروژه ای قبلاً به تائید مراجع مسئول رسیده، سندیکای دیگری با نام کارگران چگونه به وجود آمده است. به همین علت کارگران پروژه ای به عنوان اعتراض و برای روشن شدن جریان چگونگی تشکیل سندیکای فرمایشی و قلابی، نمایندگانی از طرف خود به فرمانداری فرستادند تا با فرماندار و دادستان مذاکره کنند. در حین مذاکره ناگهان عده ای به جلسه حمله کرده و با چوب و چماق و سنگ شروع به فحاشی کرده و به کارگران حمله کردند.

در این حمله وحشیانه یکی از کارگران با ضرب چاقو مجروح شد و کارگر دیگری دنده هایش خورد شد و یکی دیگر از کارگران دستش را شکستند. افراد چماق بدست با عربده جویی و تهدید کارگران به اینکه اگر کارشان را ادامه دهند خانه و کاشانه شان را به آتش خواهند کشید. شیشه های ساختمان فرمانداری را شکستند. با رسیدن مأمورین کمپته و تیر اندازی هوایی به سوی کارگران، قضیه فیصله یافت.

بعداً معلوم شد که سر دسته چماقداران دو نفر از سرمایه داران آبادان هستند، یکی از آنها در یورش که به کارگران آورده بودند، بوسیله کارگران دستگیر شد. این دو سرمایه دار هر دو از اعضاء کمپته بودند. پس از حمله وحشیانه چماق داران به کارگران، در شهر شایعه کردند که کارگران پروژه ای، ضد انقلابی و اخلاکگر هستند. رادیو نفت نیز از

کارگران بعنوان ضد انقلابی نام برد، همچنین شایعه کردند، کارگران فرماندار و دادستان را گروگان گرفته اند. کارگران نیز در برابر این فشارها روز یکشنبه ۱۸ فروردین ۵۸ در محل سندیکا دست به تحصن زدند. مسئولین تلاش کردند با تفرقه و چنددستگی بین کارگران، مبارزه آنان را به شکست بکشانند و در این جهت نیز دادستان برای یکی از اعضاء سندیکا نامه نوشت و او را برای ملاقات با خود دعوت کرد، این عضو نیز بدون اطلاع دیگر کارگران، دعوت دادستان را پذیرفت. زمانیکه کارگران از موضوع با خبر شدند، به او اعتراض کرده و به دادستان گفتند "ما یک نماینده نداریم ما هیئت موسس داریم، دادستان حق ندارد با یک نفر ملاقات کند. ما در تحصن هستیم و دادستان باید برای ملاقات کارگران به جمع ما بیاید. هوشیاری کارگران نقشه دادستان برای تفرقه در میان صفوف متحد کارگران را نقش بر آب کرد. خواستهای کارگران پروژه ای در طی این تحصن عبارت بود از: ۱- مجازات عاملین توطئه از پیش طرح شده در فرمانداری به تحریک و سرکردگی علی محمدی و محمود ذغالی ۲- تکذیب خبر اعلام شده از رادیو نفت ملی مبنی بر ضد انقلابی بودن کارگران پروژه های و اعاده حیثیت از طریق رادیو تلویزیون ۳- به رسمیت شناختن کامل سندیکای کارگران پروژه های از طرف وزارت کار و امور اجتماعی ۴- انحلال اتحادیه قلابی به اسم مجهول و من در آوردی "اتحادیه کارگران و تحصیل کرده ها" در مسجد بهبهانیها.

### مبارزات کارگران در سال ۵۹

سال ۵۹ سال شروع تدارک حمله به دستاوردهای انقلاب بود. دانشگاه ها بسته شد و روزنامه ها و کتابفروشیها پشت سر هم توقیف شدند و دانشجویان سرکوب گشتند. در این میان شوراهای کارگری نیز مصون نمانده، شروع به سرکوب آنها کرده و رهبران کارگران تحت عنوان ضد انقلاب شناسایی، اخراج و دستگیر شدند.

شروع جنگ ایران و عراق فضای جامعه را ملتهب کرده، از سویی تبدیل مناطق جنوب به مناطق جنگی، موجب آوارگی بخش وسیعی از کارگران نفت و دیگر مراکز کلیدی کارگری در جنوب شد.

بسیاری از کارخانجات به حالت تعطیل درآمده و تولید بسیاری از کارخانجات به تولیدات جنگی اختصاص داده شد. اعزام اجباری به جنگ و انتقال اجباری به کارخانجات دیگر، موقعیت کار و زندگی کارگران را تحت فشار مستقیم قرار داد. کارگران مقابل این تهاجمات علیه اخراجها، علیه اعزام و کمک اجباری به جنگ، علیه انتقال اجباری به کارخانجات دیگر، دست به اعتراض و مبارزه زدند. در این میان آواره شدن کارگران نفت به دیگر شهرهای ایران و خسارتهای وارده به آنها موجب اعتراض گسترده این بخش از کارگران برای جبران خسارتهای وارده بر آنها و تامین محلی برای سکونتشان شد. تا جائیکه کارگران جنگ زده جنوب، برای تامین مسکن خود به مصادره استادیوم امجدیه در تهران اقدام کردند.

برگزاری اول ماه در شهر تهران در سال ۵۹ با هماهنگی کانون شوراهای شرق تهران و شورای متحد غرب و در شهرآبادان به ابتکار سندیکای کارگران و پروژه ای و فصلی، آخرین جلوه های قدرت نمایی شوراهای کارگری در این دوره بود.

به تدریج اخراج و دستگیری کارگران پیشرو و رهبران اعتراضات کارگری آغاز شد. شوراهای کارگری را غیر قانونی اعلام کرده و در مقابل شوراهای اسلامی در کارخانجات تشکیل شد. شوراهائیکه فرمایشی بوده و به جای دفاع از مطالبات و منافع کارگران، در جهت پیشبرد سیاستهای دولت به خدمت گرفته شدند.

در این دوره ما شاهد مبارزات کارگری بر علیه لغو تعطیلی پنجشنبه و ۴۰ ساعت کار در کارخانجات بزرگ بودیم. همچنین دایر کردن غذاخوری در کارخانجات، دایر کردن مهد کودک برای فرزندان کارگران و مقابله با حذف این امکانات در کارخانجات، دیگر محورهای مبارزه کارگران را تشکیل میداد.

اعتراضات کارگران در سال ۵۹ کاملاً گسترده بود و میتوان به موارد زیر اشاره کرد: اعتصاب کارگری شرکت مانا وابسته به شرکت گسترش در اعتراض به حقوق عقب افتاده و خواست تامین مسکن، تجمع کارگران جنگ زده شرکت نفت جنوب در مقابل وزارت نفت در تهران، ماهشهر و اهواز با خواست پرداخت دستمزدهای معوقه و مسکن، تجمع کارگران آلومینیوم سازی اراک در اعتراض به اخراج نمایندگان شورای کارگران تجمع کارگران گارد بندر خرمشهر در اداره بندر در اعتراض به اعزام کارگران به بندر عباس، اعتصاب کارگران گونی پلاستیکی ورزیده کار در اعتراض به حقوق معوقه خود، تجمع کارگران ریسندگی خاور در اعتراض به تشکیل شوراهای اسلامی در کارخانه و خواست انحلال آنها، اعتصاب کارگران پارس الکتریک در اعتراض به اخراج ۶ نفر از کارگران، اعتصاب و تجمع کارگران سیمان سپاهان در مقابل دفتر مدیر عامل شرکت در اعتراض به قطع هزینه ایاب و ذهاب کارگران، اعتصاب سه روزه کارگران چیت تهران با خواست گرفتن پایه شغلی و افزایش حقوق و در اعتراض به بخشنامه مربوط به شیفت کار، اعتصاب کارگران چیت ممتاز در اعتراض به دزدیهای هیات مدیره شرکت تعاونی کارگران، اعتصاب کارگران گسترش مسکن اصفهان علیه دستمزدهای معوقه، اعتصاب کارگران ری او واک فزوبین برای اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، اعتصاب کارگران کفش ملی برای خواست افزایش حقوقها، اعتصاب کارگران پارس الکتریک برای خواست افزایش دستمزدها، اعتصاب کارگران دخانیات تهران با خواست افزایش حقوق و دریافتی ها، اعتصاب و تحصن کارگران کانادارای برای خواست سود ویژه، اعتصاب کارگران نساجی تاج اصفهان برای خواست سود ویژه، تحصن و راهپیمایی کارگران بیکار در کرج، راهپیمایی کارگران بندر خرمشهر در تهران در اعتراض به دستمزدهای معوقه خود، تحصن و راهپیمایی کارگران راه آهن علیه اخراج، راهپیمایی کارگران صنایع فولاد اصفهان در اعتراض به دستمزدهای معوقه، راهپیمایی کارگران سیمان سپاهان در اعتراض به کاهش مزایای کارگران، راهپیمایی کارگران قرقره زیبا تهران با خواست انحلال شوراهای فرمایشی، راهپیمایی کارگران فیلیپس تهران با خواست اخراج یکی از وابستگان به کارفرما و همکار ساواک، راهپیمایی کارگران فرش گیلان با خواست اخراج مدیر عامل کارخانه و همچنین در سال ۵۹ تجمعات و اعتراضات گسترده کارگران نفت در پالایشگاههای تهران، اصفهان، شیراز و شهرهای دیگر، برای بدست آوردن خواستها و مطالباتشان و همچنین دریافت حقوق، پرداخت غرامت جنگی، بیمه درمانی، پرداخت خواربار و غیره بود.

با نگاهی به مبارزات کارگران از سال ۵۷ تا ۵۹ میتوان دید حضور قدرتمند طبقه کارگر در عرصه سیاسی جامعه که بعنوان یک طبقه به میدان آمده بود تکلیف حکومت شاهنشاهی رایکسره کرد و رژیم شاه سرنگون شد. شوراهای کارگران در این سالها رهبری و هدایت، مبارزات را به عهده داشت و تمام جامعه شعار "کارگرنفت ما، رهبر سرسخت ما" را میداد.

تنظیم و گردآوری: نسترن آقایی

۱۸ اردیبهشت ۱۳۸۷